



The Impact of Security Perspectives on the Effectiveness of International Security Regimes

Omid Asiyaban¹

Abstract

This research examines the reasons for the inefficiency of international security regimes in the international system. The main research question is: How have international security regimes faced significant challenges in achieving their objectives? According to the research hypothesis, the inefficiency of these regimes stems from conflicting identities and interests among great powers, particularly the United States, Russia, and China, as well as shifts in security paradigms that have complicated international cooperation. The objective of this study is to analyze the reasons behind the inefficacy of security regimes and propose solutions to enhance global collaboration in addressing emerging threats. The research employs a qualitative and descriptive-analytical methodology, drawing on credible academic sources and policy documents. The findings indicate that identity and interest conflicts among great powers, geopolitical rivalries, and evolving security threats have diminished the effectiveness of security regimes. The study concludes that improving the efficiency of these regimes requires innovative diplomacy and the establishment of consensus among great powers on security norms and principles. Additionally, participation in security regimes should be based on national interests and the security perspectives of each state to prevent unnecessary securitization.

Keywords: International Security Regimes, Security Perspectives, Arms Control, Great Powers, Geopolitical Fault Lines.

Ph.D. in International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
E-mail: omid.asiaban4385@gmail.com
DOR: 0000-0002-8519-4080





۶۷

سال ۱۸

تابستان ۱۴۰۴

صص: ۱۹۱-۱۶۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۵۲۵۰-۳۶۴۵



تأثیر چشم‌اندازهای امنیتی بر کارآمدی رژیم‌های امنیتی بین-المللی

امید آسیابان^۱

چکیده

این پژوهش به بررسی دلایل ناکارآمدی رژیم‌های امنیتی بین‌المللی در نظام بین‌الملل می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه رژیم‌های امنیتی بین‌المللی در تحقق اهداف خود با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند؟ مطابق فرضیه پژوهش ناکارآمدی این رژیم‌ها ناشی از تضاد منافع و هویت‌های قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده، روسیه و چین، و همچنین تغییرات در چشم‌اندازهای امنیتی است که همکاری بین‌المللی را دشوار کرده است. هدف این پژوهش، تحلیل دلیل ناکارآمدی رژیم‌های امنیتی و ارائه راهکارهایی برای بهبود همکاری‌های جهانی در مواجهه با تهدیدهای نوظهور است. روش پژوهش کیفی و توصیفی - تحلیلی است و از منابع معتبر علمی و اسناد سیاست‌گذاری استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که تضادهای هویتی و منفعتی قدرت‌های بزرگ، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و تغییرها در تهدیدهای امنیتی، کارایی رژیم‌های امنیتی را کاهش داده‌اند. نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن است که برای بهبود کارایی این رژیم‌ها، نیاز به دیپلماسی نوین و ایجاد وفاق میان قدرت‌های بزرگ در اصول و هنجارهای امنیتی است. همچنین، عضویت در رژیم‌های امنیتی باید با در نظر گرفتن منافع ملی و چشم‌اندازهای امنیتی هر دولت انجام شود تا از امنیتی‌سازی بی‌مورد جلوگیری شود.

کلیدواژه‌ها: رژیم‌های امنیتی بین‌المللی، چشم‌انداز امنیتی، کنترل جنگ‌افزار، قدرت‌های بزرگ، گسل‌های ژئوپلیتیک.

۱. دکتر تخصصی روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

E-mail: omid.asiaban4385@gmail.com

DOR: 0000-0002-8519-4080



© نویندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

از پایان جنگ جهانی دوم تا به امروز، رژیم‌های امنیتی بین‌المللی در پاسخ به یک چشم‌انداز جهانی پویا تکامل یافته‌اند و به موضوعات متنوعی از جمله اشاعه جنگ‌افزارها تا تخریب محیط‌زیست پرداخته‌اند. به طور خاص پس از پایان جنگ جهانی دوم و آغاز دوره جنگ سرد در سال ۱۹۴۵ میلادی بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل و امنیت بین‌الملل به صورت خاص تمرکز مطالعات خود را بر پدیده مهمی مانند رژیم‌های امنیتی بین‌المللی قرار دادند. دوره جنگ سرد و رقابت‌های دو بلوک شرق و غرب به رهبری اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا در مسابقه جنگ‌افزاری منجر به شکل‌گیری رژیم‌های کنترل جنگ‌افزار سالت^۱ و استارت^۲ شد. جنگ سرد موضوع رژیم‌های امنیتی بین‌المللی را در حوزه کنترل جنگ‌افزار بسیار تقویت کرد و مناظره‌های مهمی در مورد اهمیت و جایگاه رژیم‌های کنترل و خلع جنگ‌افزار به وجود آورد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری ساختار تک قطبی به رهبری ایالات متحده آمریکا به عنوان یک نقطه عطف تاریخی موجب به وجود آمدن نوعی گفتمان جدید متناسب با تغییرات در قطبیت^۳ نظام بین‌الملل شد. در این دوره زمانی ایالات متحده آمریکا به عنوان هژمون نظام بین‌الملل تلاش کرد که با در نظر گرفتن شعاع قدرت خود، گفتمان نظم نوین بین‌المللی را در دهه ۱۹۹۰ میلادی ترویج کند. به طور مسلم این گفتمان بر بسیاری از مولفه‌های امنیت بین‌الملل نیز تاثیرگذار بود. متغیرهایی مانند تروریسم، حقوق بشر، مداخله بشردوستانه،^۴ مسئولیت حمایت^۵ و دموکراسی‌سازی^۶ موجب تاثیرگذاری بر مقوله امنیت بین‌الملل شد. برای مثال مفاهیمی مانند «جنگ پیش‌دستانه» و «جنگ پیش‌گیرانه» در حمله نظامی ایالات متحده به افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ میلادی برای بسیاری از ناظران بین‌المللی زمینه‌ساز توجه بیشتر به ابزارهای حفظ امنیت در روابط بین‌الملل شد. بنابراین رژیم‌های امنیتی بین‌المللی به عنوان ابزار کنترل مورد توجه اندیشمندان سیاست بین‌الملل و سیاست‌مداران قرار گرفت. بنابراین از سوی جامعه بین‌المللی

1 SALT

2 START

3 polarity

4 Humanitarian Intervention

5 Responsibility to Protect (R2P)

6 Democratization

تلاش شد دامنه پوشش موضوعات مربوط به رژیم‌های بین‌المللی را گسترده کنند و رژیم‌های امنیتی بین‌المللی در ابعاد افقی^۱ و عمودی^۲ گسترش یابند. در بعد افقی دامنه شمولیت اعضای رژیم‌های امنیتی به دولت‌های بیشتری تسری پیدا کرد و از بعد عمودی موضوعات جدیدی مانند تغییرات آب و هوایی، سایبری و جرایم سازمان یافته بین‌المللی در دستور کار رژیم‌های بین‌المللی امنیتی قرار گرفت. بنابراین رژیم‌های بین‌المللی به عنوان ابزارهای کنترلی تا حدود زیادی توانستند کارکرد خود را در جهت رفع نگرانی قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل فراهم کنند. اما نکته قابل توجه در سطح ژئواستراتژیک این است که بیشتر رژیم‌های امنیتی بین‌المللی کنونی در نظام بین‌الملل نتوانستند امنیت را در حوزه‌های موضوعی خاص خود تامین کنند. برای مثال رژیم آب و هوایی پاریس تا کنون نتوانسته است به اهداف خود برسد. سایر رژیم‌های امنیتی در حوزه کنترل جنگ افزار نیز با چالش‌های متعددی مواجه هستند. بنابراین پرسشی که مطرح می‌شود این است که چگونه رژیم‌های امنیتی بین‌المللی در تحقق اهداف خود با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند؟ مطابق فرضیه پژوهش رژیم‌های امنیتی بین‌المللی توسط قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرند و کارایی آن‌ها به نبود تضاد هویت و منافع و همچنین همکاری میان این قدرت‌ها وابسته است. تضادهای هویتی و به دنبال آن تغییر در چشم‌انداز امنیتی منجر به رقابت‌های ایالات متحده با روسیه و چین شده و در نتیجه کارایی این رژیم‌ها را کاهش داده و پاسخگویی به تهدیدهای نوظهور را دشوار کرده است. هدف این پژوهش بررسی دلایل ناکارآمدی و چالش‌های پیش روی رژیم‌های امنیتی بین‌المللی در نظام بین‌الملل است. روش پژوهش به صورت کیفی و توصیفی - تحلیلی است و ابتدا با ارائه اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت منظم و طبقه‌بندی شده، شرح مفصلی از رژیم‌های امنیتی بین‌المللی به عنوان پدیده‌ای سیاسی - اجتماعی بین‌المللی ارائه می‌شود و سپس با بهره‌گیری از تحلیل روابط میان متغیرها بررسی می‌شود و داده‌ها با استفاده از نظریه‌ها یا چارچوب‌های مفهومی تفسیر می‌شوند. در بخش جمع‌آوری داده‌ها تلاش می‌شود از آثار علمی، اسناد سیاست‌گذاری و منابع اینترنتی معتبر استفاده شود. این پژوهش به دلیل بررسی تأثیر تضادهای هویتی و منفعتی قدرت‌های بزرگ بر ناکارآمدی رژیم‌های امنیتی بین‌المللی و ارائه راهکارهایی برای بهبود همکاری‌های جهانی در مواجهه با تهدیدهای نوظهور، از اهمیت و

1 Horizontal

2 Vertical

ضرورت بالایی برخوردار است. در این بخش به پیشینه پژوهش در مورد رژیم‌های امنیتی بین‌المللی مورد توجه اندیشمندان در رشته روابط بین‌الملل، مطالعات امنیت و حکمرانی جهانی پرداخته می‌شود:

(۱) نظریه رژیم: استیون کراسنر^۱ (۱۹۸۳) در کتابی با عنوان «رژیم‌های بین‌المللی» پایه و اساس درک رژیم‌ها را به عنوان مجموعه‌ای از قوانین، هنجارها و رویه‌هایی که رفتار دولت را در حوزه‌های موضوعی خاص شکل می‌دهند، ایجاد کرد (Krasner, 1983). عسگرخانی در کتابی با عنوان «رژیم‌های بین‌المللی» به بررسی علل جنگ و برقراری شرایط صلح و امنیت بین‌المللی می‌پردازد. نگارنده در این کتاب پس از بررسی علل جنگ، نظریه رژیم‌های بین‌المللی و سپس رژیم‌های امنیتی را تحلیل کرده است (Asgarkhani, 2004).

(۲) امنیت جمعی: اینیس کلود^۲ (۱۹۹۲) در کتابی با عنوان «امنیت دسته‌جمعی پس از جنگ سرد» در مورد امنیت جمعی به بررسی مفهوم و تکامل تاریخی آن می‌پردازد (Claude, 1992). لیسامارتین^۳ (۲۰۰۸) در کتابی با عنوان «حکمرانی جهانی» اثربخشی نهادهای امنیتی را در مدیریت درگیری‌ها و همکاری بررسی می‌کند (Martin, 2008). ایزمایلو^۴ و یگورووا^۵ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های جهانی برای سیستم امنیتی بین‌المللی مدرن» چندین چالش جهانی را برای سیستم امنیتی مدرن بین‌المللی شناسایی می‌کنند، از جمله اقدامات نظامی، منازعات، جهانی شدن اقتصادی، رقابت منابع، تغییرات آب و هوایی، مهاجرت انبوه، تغییرات فناورانه، امنیت سایبری و تروریسم بین‌المللی؛ این چالش‌ها مستلزم تجدید نظر مفاهیم امنیتی است و کشورها را وادار به ارزیابی مجدد سیاست‌های دفاعی و افزایش بودجه نظامی می‌کند. تمرکز نه تنها باید بر مقابله با تهدیدها باشد، بلکه بر توسعه اقدامات پیش‌گیرانه برای کاهش خطرات مرتبط با این مسائل امنیتی جهانی و منطقه‌ای نیز باشد (Izmailov & Yegorova, 2024).

(۳) کنترل جنگ‌افزارها و خلع جنگ‌افزار: تامس شیلینگ^۶ (۱۹۶۱) در مقاله‌ای با عنوان «کنترل جنگ‌افزار» نقش رژیم‌های کنترل جنگ‌افزارها را در کاهش خطر جنگ هسته‌ای تجزیه و تحلیل

1 Steven Krasner

2 Inis Claude

3 Lisa Martin

4 Izmailov

5 Yegorova

6 Thomas Schilling

می‌کند (Schelling, 1961). مایکل لوی^۱ و مایکل اوهانلون^۲ (۲۰۰۴) در کتابی با عنوان «آینده کنترل جنگ‌افزار» اثربخشی عدم اشاعه و رژیم‌ها در جلوگیری از گسترش جنگ‌افزارهای هسته-ای را ارزیابی می‌کنند (Levi & O'Hanlon, 2004). ایلچ^۳ و دیگران (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «رژیم‌های امنیتی بین‌المللی در جلوگیری از گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای و اهمیت جهانی آن‌ها» معتقدند که چالش رژیم‌های امنیتی بین‌المللی در نقاط ضعف ذاتی آنها نهفته است، همانطور که در این مقاله برجسته شده است. در حالی که این رژیم‌ها از لحاظ تاریخی نقش مهمی در توقف گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای و جلوگیری از آزمایش‌های ایفا کرده‌اند، اما به هدف نهایی خلع جنگ‌افزار کامل هسته‌ای دست نیافته‌اند. تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که با وجود نقاط قوت خود، در حال حاضر بسیاری از این رژیم‌ها دیگر موثر نیستند و تضعیف آن‌ها منجر به تهدید مداوم جنگ‌افزارهای هسته‌ای و فاجعه زیست محیطی شده است (Ilić, Radovanović & Ivković: 2024).

۴) امنیت محیطی: اندیشمندانی مانند سیمون دالبی^۴ (۲۰۰۹) در کتابی با عنوان «امنیت و تغییرات محیطی» (Dalby, 2009) و پل هریس^۵ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «امنیت محیطی: آیا بوش از کلیتون پیروی خواهد کرد؟» (Harris, 2002) تلاقی مسائل زیست محیطی و امنیت را مورد بررسی قرار داده‌اند و بر اهمیت رژیم‌های بین‌المللی در مقابله با چالش‌های زیست محیطی که ثبات جهانی را تهدید می‌کنند، تاکید کرده‌اند.

۵) امنیت سایبری: جوزف نای^۶ (۲۰۱۰) در کتابی با عنوان «قدرت سایبری» در مورد امنیت سایبری، نیاز به رژیم‌های امنیتی نوآورانه را برای مدیریت تهدیدهای نوظهور در قلمرو دیجیتال برجسته می‌کند (Nye, 2010).

در این پژوهش تلاش شد که از آثار علمی مرجع در حوزه رژیم‌های امنیتی بین‌المللی استفاده شود و علاوه بر این برخی آثار به چالش‌های رژیم‌های امنیتی پرداخته‌اند. هیچ یک از این آثار به دلیل ناکارآمدی رژیم‌های امنیتی بین‌المللی اشاره نکرده‌اند. در این پژوهش تلاش شده است به

1 Michael Levi

2 Michael O'Hanlon

3 Ilić

4 Simon Dalby

5 Paul Harris

6 Joseph Nye

چرایی ناکارآمدی رژیم‌های بین‌المللی در گستره ژئواستراتژیک پردازد و در نهایت چشم‌اندازی از آینده رژیم‌های امنیتی معاصر ارائه دهد.

مبانی نظری

پیچیدگی ساختاری به عنوان یک چارچوب نظری تبیین‌کننده شرایط حاضر نظم در نظام بین‌الملل است. نظم بین‌المللی در حال حاضر متأثر از گفتمان‌های تمدنی و هویتی و چالش‌های امنیت هستی‌شناختی در میان قدرت‌های بزرگ است. قدرت‌های بزرگ در وضعیت پیچیدگی ساختاری تلاش می‌کنند که گفتمان هویتی و الگوی حکمرانی برآمده از آن را در نظام بین‌الملل اشاعه دهند. در وضعیت پیچیدگی ساختاری به دلیل افزایش کنش‌گری در حوزه‌های اجتماعی و گفتمانی، تمایل به نوعی نظم نامتعادل است. نظام همواره دچار عدم تعادل است و کنش‌گران به سادگی نمی‌توانند با بهره‌گیری از دینامیک قدرت به تعادل دست یابند. زمانی که از افزایش کنش‌گری در حوزه‌های اجتماعی بحث می‌شود، منظور این است که نوعی مبنا و اصل در پیچیدگی ساختاری با عنوان انتشار شبکه‌ای^۱ وجود دارد و کنش‌گران با ایجاد شبکه‌های اجتماعی - گفتمانی و تعریف نقش‌های راهبردی در قالب گفتمان‌های هویتی، اقدام به تعامل اجتماعی به منظور گسترش شبکه‌های گفتمانی و هویتی خود می‌کنند (Asgarkhani & Asiaban, 2020: 114-115)

از سوی دیگر تعریف رژیم‌های امنیتی بین‌المللی در رشته روابط بین‌الملل به معنای مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و قوانین و رویه‌های تصمیم‌گیری در یک حوزه موضوعی خاص که توسط دولت‌ها ایجاد می‌شود، است (Krasner, 1983: 2). رژیم‌ها به طور غالب بر اقدامات دولت‌ها در حوزه امنیت بین‌المللی حاکم هستند. رژیم امنیتی بین‌المللی برای مدیریت درگیری‌ها، ارتقای همکاری و رسیدگی به چالش‌های امنیتی مشترک میان دولت‌ها ایجاد شده‌اند. این مفهوم ریشه در نظریه گسترده‌تر رژیم‌های بین‌المللی دارد که می‌تواند در موضوعات مختلف مرتبط با امنیت، مانند کنترل جنگ‌افزارها، خلع جنگ‌افزار، عدم اشاعه، پیش‌گیری از درگیری و حفظ صلح به کار رود. مفاهیم کلیدی در رژیم‌های امنیتی عبارتند از:

(۱) اصول: باورها یا ارزش‌های بنیادینی که رژیم را تشکیل می‌دهند و ناظر بر اهداف اصلی رژیم است، مانند اهمیت ثبات بین‌المللی یا لزوم جلوگیری از گسترش جنگ‌افزارهای کشتار جمعی؛

(۲) قواعد: مقررات یا آیین‌نامه‌ها که اقدامات دولت‌ها را در داخل رژیم هدایت و تنظیم می‌کند.

(۴) هنجارها: انتظارات مشترک و استانداردها در مورد رفتار مناسب در یک حوزه موضوعی خاص هستند. در رژیم‌های امنیتی، هنجارها می‌توانند به استفاده از زور، خلع جنگ‌افزار، یا حل مناقشه مربوط باشند.

(۵) رویه‌های تصمیم‌گیری: سازوکارها و فرآیندهای دستیابی به تصمیم‌های جمعی در داخل رژیم، مانند نحوه رای‌گیری (Krasner, 1983: 2).

درک این مفاهیم کلیدی برای تحلیل عملکرد و اثربخشی رژیم‌های امنیتی در ارتقای امنیت بین‌المللی ضروری است. در اینجا با استفاده از آثار و دیدگاه‌های جوزف نای و رابرت کوهن، چند شاخص کاربردی برای ارزیابی میزان کارایی رژیم‌های بین‌المللی امنیتی توسط نگارنده استخراج شده است که می‌بایست به هنگام مطالعه رژیم‌های امنیتی در نظر گرفته شود:

(۱) مشارکت کنش‌گر: رژیم‌های امنیتی می‌توانند کنش‌گران متنوعی از جمله دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی^۱ (مانند سازمان ملل متحد)، سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی^۲ و سایر ذی‌نفعان را درگیر کنند. درک نقش‌ها و تعاملات این کنش‌گران برای درک پیچیدگی رژیم‌های امنیتی بسیار مهم است.

(۲) پویایی قدرت: روابط قدرت میان دولت‌ها و سایر کنش‌گران می‌تواند به طور قابل توجهی بر عملکرد رژیم‌های امنیتی تأثیرگذار باشد. دولت‌های قدرتمندتر ممکن است در شکل دادن به هنجارها و قوانین رژیم سهم بیشتری داشته باشند، در حالی که دولت‌های ضعیف‌تر ممکن است برای در نظر گرفته شدن منافع خود تلاش کنند.

1 International Governmental Organizations (IGOs)
2 International Non-Governmental Organizations (INGOs)

۳) علایق و انگیزه‌ها: دولت‌ها و سایر کنش‌گران برای منافع ادراک شده خود مانند افزایش امنیت یا کاهش خطر درگیری در رژیم‌های امنیتی شرکت می‌کنند. تحلیل این علایق و انگیزه‌ها می‌تواند دلیل شکل‌گیری رژیم‌ها و چگونگی تکامل آنها در طول زمان را روشن کند.

۴) اثربخشی و کارایی: ارزیابی میزان دستیابی رژیم‌های امنیتی به اهداف اعلام شده خود و مدیریت موثر چالش‌های امنیتی یکی از جنبه‌های کلیدی تحلیل رژیم است. این ممکن است شامل ارزیابی توانایی رژیم برای جلوگیری یا حل و فصل درگیری‌ها، کاهش تکثیر جنگ‌افزارها یا ارتقای ثبات راهبردی باشد.

۵) سازگاری و انعطاف‌پذیری: رژیم‌های امنیتی باید خود را با محیط‌های امنیتی در حال تغییر جهانی، تهدیدها نوظهور و پیشرفت‌های فناورانه سازگار کنند. بررسی چگونگی واکنش رژیم‌ها به این چالش‌ها و حفظ ارتباط آن‌ها در طول زمان برای درک چشم‌انداز بلندمدت آنها ضروری است (Nye, & Keohane, 1990: 57-132), (Keohane, 2020: 74-130).

با در نظر گرفتن این جنبه‌ها و تأثیر متقابل آن‌ها می‌توان به درک جامع‌تری از رژیم‌های امنیتی و نقش آن‌ها در ارتقای امنیت بین‌المللی دست یافت. با توجه به اینکه در شرایط پیچیدگی ساختاری تعارض‌های هویتی، گفتمانی و الگوی حکمرانی در نظام بین‌الملل افزایش یافته، نمی‌توان از یک چشم‌انداز امنیتی مشترک میان دولت‌ها؛ به ویژه میان قدرت‌های بزرگ سخن گفت. بنابراین وجود چشم‌اندازهای امنیتی متفاوت کنش‌گران و قدرت‌های بزرگ، یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی رژیم‌های امنیتی بین‌المللی محسوب می‌شود. کالین گری^۱ یکی از نظریه‌پردازان برجسته در رشته روابط بین‌الملل و فرهنگ‌های راهبردی است. او به بررسی چگونگی تعامل کشورهای مختلف با چالش‌های امنیتی و نوع رویکردهای فرهنگی آنها در مواجهه با این چالش‌ها می‌پردازد.

در دیدگاه گری، فرهنگ راهبردی به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و رفتارهایی تعریف می‌شود که کشورها در تصمیم‌گیری‌های امنیتی خود به کار می‌برند. این فرهنگ‌ها تحت تأثیر تاریخچه سیاسی-اجتماعی، ژئوپولیتیک و هویت ملی قرار دارند و می‌توانند بر نحوه واکنش

کشورهای مختلف به تهدیدهای امنیتی تأثیر بگذارند (Gray, 1984: 28). بر این اساس می‌توان از دیدگاه گری برخی از این چالش‌ها را نام برد:

(۱) تنوع فرهنگی و راهبردی: کشورهای مختلف با توجه به تاریخچه و فرهنگ خود به شیوه‌های متفاوتی به چالش‌های امنیتی پاسخ می‌دهند. این تفاوت‌ها می‌تواند منجر به سوء تفاهم، بی‌اعتمادی و تنش‌های بین‌المللی شود.

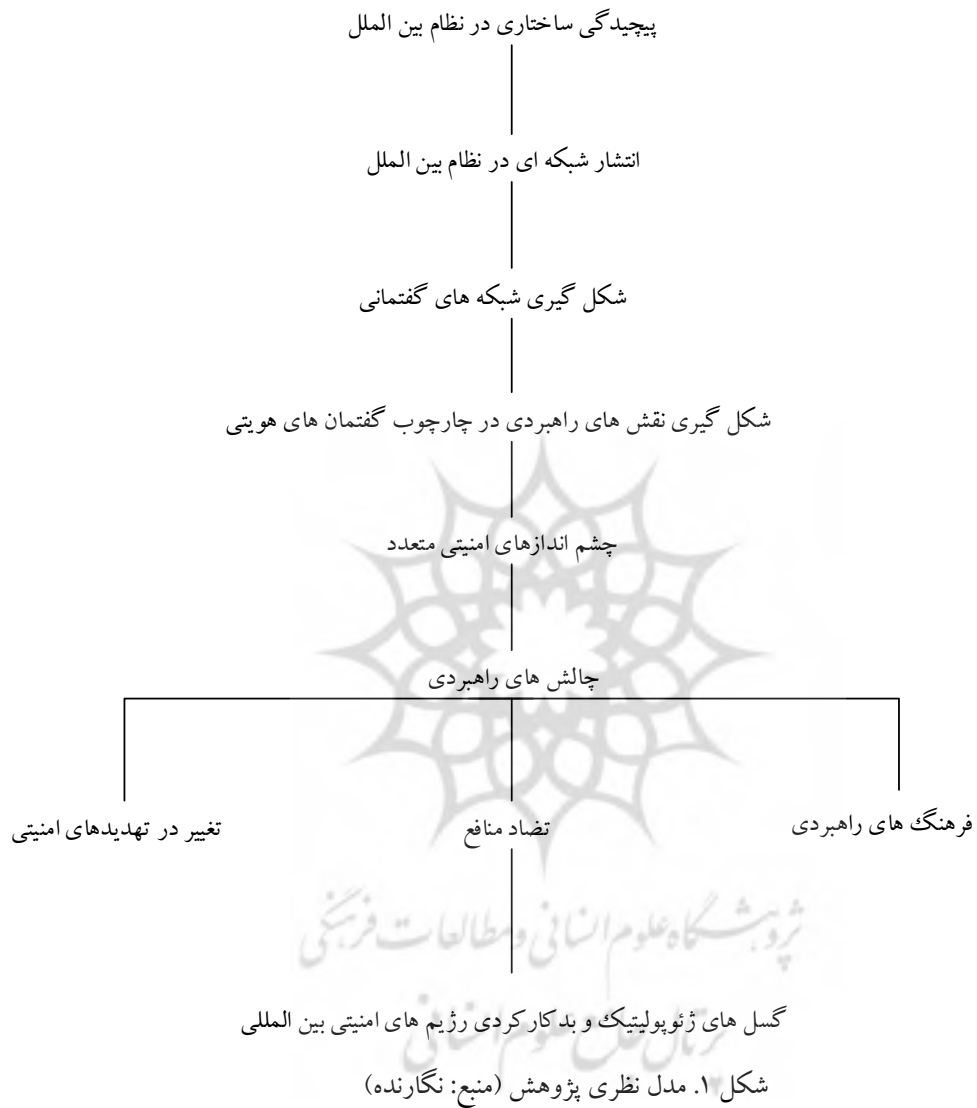
(۲) تضاد منافع: در رژیم‌های بین‌المللی، منافع ملی کشورهای مختلف ممکن است با یکدیگر تداخل پیدا کند. این تعارض منافع می‌تواند بر تلاش‌ها برای ایجاد امنیت جمعی تأثیر بگذارد.

(۳) تغییر در تهدیدهای امنیتی: ظهور تهدیدهایی مانند تروریسم، تغییرات اقلیمی و بیماری‌های جهانی، نیاز به همکاری‌های جدید و بازنگری در راهبردهای امنیتی است. بنابراین فرهنگ‌های راهبردی مختلف باید به این چالش‌ها پاسخ دهند.

(۴) تأثیر قدرت‌های بزرگ: قدرت‌های بزرگ تأثیر زیادی بر رژیم‌های امنیتی بین‌المللی دارند. رفتار و تصمیمات این کشورها می‌تواند اثرات قابل توجهی بر سایر کشورها و رژیم‌های امنیتی بگذارد.

(۵) مؤلفه‌های ملی و بین‌المللی: موفقیت رژیم‌های امنیتی در ایجاد ثبات و امنیت به توانایی آن‌ها در هماهنگی میان مؤلفه‌های ملی و بین‌المللی بستگی دارد (Gray, 1984).

به طور کلی، دیدگاه کالین گری بر اهمیت درک فرهنگ‌های راهبردی و تاریخچه کشورهای مختلف در تحلیل چالش‌های امنیتی تأکید دارد. نکته بسیار مهمی که می‌توان از مفهوم فرهنگ‌های راهبردی گری استخراج کرد، این است که؛ چشم‌اندازهای امنیتی می‌توانند منجر به فرهنگ‌های راهبردی متفاوتی شوند. به طور مسلم هر چشم‌انداز امنیتی می‌تواند درک و تعریف خاص خود را از امنیت داشته باشد و در این شرایط کنش‌گران قادر نیستند که در اصول، قواعد، هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری رژیم‌های امنیتی بین‌المللی به توافق و اجماع دست یابند. مطابق شکل شماره ۱ مدل نظری پژوهش ارائه شده است.



یافته‌های پژوهش

تاریخ تکوین رژیم‌های بین‌المللی امنیتی

رژیم‌های امنیتی بین‌المللی همواره یکی از مهم‌ترین موجودیت‌ها و ارکان نظم بین‌المللی محسوب می‌شوند. دولت‌ها به عنوان کنش‌گران اصلی نظام بین‌الملل برای پیش‌برد منافع و امنیت خود همواره نیازمند ایجاد سازوکار رژیم امنیتی بوده‌اند. در این بخش از پژوهش تلاش می‌شود تاریخ تکوین رژیم‌های امنیتی بین‌المللی در نظام بین‌الملل مورد توجه قرار بگیرد:

۱- پس از جنگ جهانی اول: جامعه ملل به عنوان تلاش اولیه برای امنیت جمعی تأسیس شد. هدف اتحادیه جلوگیری از جنگ‌های آینده از طریق خلع جنگ‌افزار، داوری و تحریم علیه متجاوزان بود (Northedge, 1986: 2).

۲- پس از جنگ جهانی دوم: سازمان ملل متحد به عنوان جانشین جامعه ملل ایجاد شد. منشور سازمان ملل متحد چارچوبی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از جمله استفاده از نیروی نظامی به عنوان آخرین راه حل (ماده ۴۲ ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد) ایجاد کرد (Hanhimäki, 2015: 23).

۳- جنگ سرد: در طول جنگ سرد رقابت میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی منجر به تشکیل رژیم‌های امنیتی مختلف از جمله رژیم‌های کنترل جنگ‌افزارها و خلع جنگ‌افزار شد. این رژیم‌ها شامل معاهده منع گسترش جنگ‌افزار هسته‌ای^۱، مذاکرات محدودسازی جنگ‌افزارهای راهبردی^۲ و معاهده منع موشک‌های بالستیک^۳ بودند (Leffler & Westad, 2010: 509-532).

۴- پس از جنگ سرد: پایان جنگ سرد تغییر در اولویت‌های امنیتی با تمرکز بیشتر بر موضوعاتی مانند درگیری قومی، تروریسم و مداخله بشردوستانه بود. در این دوره زمانی رژیم‌های امنیتی جدیدی از جمله معاهده منع گسترش جنگ‌افزارهای شیمیایی^۴ و معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای^۵ ظهور کردند (Weber, 2013: 77-78).

1 NPT

2 SALT

3 ABM

4 CWC

5 CTBT

۵- قرن بیست و یکم: در سال‌های اخیر افزایش تروریسم جهانی و تهدیدهای سایبری منجر به شکل‌گیری رژیم‌های امنیتی جدید مانند راهبرد جهانی مبارزه با تروریسم و توافق‌نامه‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی امنیت سایبری شده است. تغییرات آب و هوایی و امنیت محیطی نیز به طور فزاینده‌ای به موضوعات برجسته تبدیل شده‌اند که منجر به استقرار رژیم‌هایی مانند توافق‌نامه پاریس شده است (Collins, 2022: 242-276). در جدول شماره ۱ تلاش می‌شود اطلاعات جامعی از تاریخچه رژیم‌های امنیتی بین‌المللی و نحوه توزیع قدرت در نظام بین‌الملل ارائه شود.

جدول ۱. تاریخچه رژیم‌های امنیتی بین‌المللی (تاریخ به میلادی)

رژیم امنیتی بین‌المللی	سال تاسیس	قطبیت نظام بین‌الملل
جامعه ملل	۱۹۲۰	چند قطبی
کاهش جنگ‌افزار دریایی	۱۹۲۲	چند قطبی
منشور ملل متحد	۱۹۴۵	دو قطبی
منشور آتلانتیک شمالی	۱۹۴۹	دو قطبی
معاهده ورسای	۱۹۵۵	دو قطبی
منع موشک‌های بالستیک	۱۹۷۲	دو قطبی
منع جنگ‌افزار بیولوژیکی	۱۹۷۲	دو قطبی
سالت ۱	۱۹۷۲	دو قطبی
همکاری و امنیت اروپا	۱۹۷۵	دو قطبی
معاهده منع اشاعه	۱۹۷۰	دو قطبی
سالت ۲	۱۹۷۹	دو قطبی
معاهده جنگ‌افزارهای متعارف معین	۱۹۸۳	دو قطبی
معاهده نیروهای هسته‌ای میان برد	۱۹۸۷	دو قطبی
معاهده نیروهای مسلح متعارف در اروپا	۱۹۹۰	دو قطبی
کاهش جنگ‌افزارهای	۱۹۹۱	تک قطبی

		راهبردی ۱
تک قطبی	۱۹۹۳	کاهش جنگ‌افزارهای راهبردی ۲
تک قطبی	۱۹۹۶	منع آزمایش‌های هسته‌ای
تک قطبی	۱۹۹۷	منع جنگ‌افزار شیمیایی
تک قطبی	۲۰۰۲	کاهش جنگ‌افزارهای راهبردی ۳
تک قطبی	۲۰۰۲	معاهده کاهش تهاجمی راهبردی
تک قطبی	۲۰۰۲	معاهده آسمان‌های باز
تک قطبی	۲۰۰۶	راهبرد مقابله با تروریسم
تک قطبی	۲۰۱۱	معاهده کاهش و محدودیت جنگ‌افزارهای تهاجمی راهبردی
تک - چند قطبی	۲۰۱۴	معاهده تجارت جنگ‌افزار
تک - چند قطبی	۲۰۱۶	تغییرات آب و هوایی پاریس
تک - چند قطبی	۲۰۱۷	منع جنگ‌افزارهای هسته‌ای
تک - چند قطبی	۲۰۱۸	برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)
تک - چند قطبی	۲۰۱۹	نیروهای هسته‌ای میان‌برد
تک - چند قطبی	۲۰۲۱	معاهده جنگ‌افزارهای تهاجمی راهبردی

Sources: (Buzan & Hansen, 2009), (Gheciu & Wohlforth, 2018), (Young, 1982), (Griffiths, 2013).

بررسی تاریخ‌مندی^۱ رژیم‌های امنیتی می‌تواند روندها، الگوها و چالش‌های مهمی را آشکار کند که به درک ما از نقش آن‌ها در ارتقای امنیت و ثبات بین‌المللی کمک می‌کند. تحلیل این روندها و چالش‌ها، بینش‌های ارزشمندی در مورد نقاط قوت و محدودیت‌های رژیم‌های امنیتی و

1 Historicity

همچنین فرصت‌هایی برای افزایش اثربخشی آن‌ها در ارتقای امنیت و ثبات بین‌المللی در مواجهه با تهدیدهای در حال تحول و پویایی‌های ژئوپلیتیک ارائه می‌دهد.

قدرت‌های نوظهور و چشم اندازهای امنیتی

از پایان جنگ سرد ایالات متحده اغلب رویکردی یک‌جانبه متناسب با چشم‌انداز امنیتی خود در قبال مسائل امنیتی دنبال کرده و همواره این نشان دهنده قدرت هژمونیک و تأکید آن بر نظم بین‌المللی لیبرال-دموکراسی بوده است. این روند باعث شده است که ایالات متحده بر بسیاری از رژیم‌های امنیتی بین‌المللی تسلط داشته باشد و اصول، قوانین و هنجارهای آنها را برای همسویی با اهداف راهبردی خود شکل دهد. از سوی دیگر، چین و روسیه به عنوان قدرت‌های نوظهور اغلب از یک چشم‌انداز امنیتی متفاوتی در مقایسه با ایالات متحده برخوردارند و بر این اساس از نظام بین‌المللی چندقطبی حمایت می‌کنند و بر اهمیت تقسیم قدرت و اعمال خواسته‌های خود، برآمده از الگوهای حکمرانی اقتدارگرا در نظم بین‌المللی تأکید می‌کنند. این رویکرد هژمونی ایالات متحده و چشم‌انداز امنیتی نظم مستقر را به چالش می‌کشد و نظم بین‌المللی لیبرال را به همراه رژیم‌های امنیتی بین‌المللی برآمده از آن را با چالش‌های ژرف مواجه می‌کند (Ikenberry, 2011: 341-343).

بنابراین نظام بین‌الملل در حال گذار از ساختار تک‌قطبی به ساختار تک-چند قطبی است که این گذار به طور اساسی پویایی امنیت جهانی را تغییر می‌دهد. با ظهور قدرت‌های جدید و به چالش کشیدن هژمونی ایالات متحده، رژیم‌های امنیتی سنتی مورد آزمایش قرار می‌گیرند و کارایی آنها در حفظ ثبات زیر سوال می‌رود. هر یک از چالش‌گران هژمونی ایالات متحده از یک الگوی حکمرانی در تقابل با الگوی لیبرال دموکراسی غربی برخوردار هستند. الگوهای حکمرانی متضاد به رویکردها، چشم‌اندازها و در نهایت سازوکارهای مختلفی اشاره دارد که مدیریت بحران، سیاست خارجی و امنیت ملی دولت‌ها تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. این الگوهای متضاد می‌تواند رژیم‌های امنیتی بین‌المللی را تضعیف کند و به دنبال آن کارایی آن‌ها را در حفظ امنیت جهانی تضعیف کند. دولت‌ها با گفتمان‌های سیاسی متفاوت از چشم‌اندازهای متفاوت و برآیند آن، یعنی الگوهای حکمرانی متفاوت مانند لیبرال دموکراسی‌ها و اقتدارگرایی‌ها برخوردار

هستند که این ممکن است رویکردهای متناقضی در مورد مسائل امنیت بین‌الملل داشته باشند که این تناقض‌ها منجر به تنش‌ها و اختلاف نظرها در شکل‌گیری و یا تقویت رژیم‌های امنیتی بین‌المللی می‌شود (Asiyaban, 2022: 134-135).

قدرت‌های نوظهور به دلیل چشم انداز امنیتی خاص خود و همچنین رویکردهای غیرسنجی خود ممکن است به نادیده گرفتن یا به چالش کشیدن رژیم‌های بین‌المللی امنیتی منجر شوند. بسیاری از این کشورها به دنبال حفظ منافع ملی خود به شیوه‌ای مستقل و غیرمتعارف هستند که ممکن است از محدودیت‌های رژیم‌های موجود دوری جسته و به نوعی براءت از تعهدات بین‌المللی منجر شود. برای مثال، روسیه با استفاده از ظرفیت‌های نظامی و اقتصادی خود، نه تنها در درگیری‌های منطقه‌ای در اوکراین و سوریه دخالت کرده بلکه به ابزارهایی چون سایبری و جنگ‌های اطلاعاتی نیز روی آورده است (Yost, 2015: 536). با افزایش نفوذ این قدرت‌ها، نظم حاکم بر نظام بین‌الملل تحت تاثیر قرار می‌گیرد و ممکن است منجر به رقابت‌های جدید و تنش‌های سیاسی شود. این تغییرات می‌تواند به بی‌ثباتی و ناامنی در مناطق مختلف جهان منجر شود. افزایش قدرت چین در عرصه‌های اقتصادی و نظامی چالش‌های جدی برای ایالات متحده و متحدانش به وجود آورده است. چین با شکل‌دهی به نهادهای جدید اقتصادی و نظامی، نظیر بانک آسیا برای سرمایه‌گذاری زیرساختی^۱، باعث تضعیف نهادهای موجود شده و همچنین چالش‌هایی جدید علیه هژمونی غرب ایجاد کرده است (Kahler, 2013: 712). در نتیجه، ظهور قدرت‌های نوظهور در روابط بین‌الملل یک واقعیت غیرقابل انکار است که نه تنها به تکرار چشم‌اندازهای امنیتی انجامیده، بلکه منجر به تغییر موازنه قدرت در سطح جهانی شده و چالش‌هایی جدی برای رژیم‌های بین‌المللی امنیتی به وجود آورده است. این چالش‌ها انسجام رژیم‌های امنیتی بین‌المللی را به مخاطره انداخته و تا زمانی که قدرت‌های بزرگ به اشتراک نظر در چشم‌انداز امنیتی دست پیدا نکنند، نمی‌توان نسبت به آینده رژیم‌های امنیتی در حفظ امنیت بین‌الملل خوشبین بود.

1 Asian Infrastructure Investment Bank

گسل‌های ژئوپلیتیکی و رژیم‌های بین‌المللی امنیتی

گسل‌های ژئوپلیتیکی در نظام بین‌الملل به دلیل وجود چشم اندازهای امنیتی متفاوت شکل گرفته‌اند. این گسل‌ها که شامل عدم تعادل قدرت منطقه‌ای، رقابت‌های تاریخی و الگوهای حکمرانی متضاد می‌شود، می‌تواند چالش‌هایی برای همکاری و اعتمادسازی میان دولت‌های مشارکت‌کننده در رژیم‌های امنیتی ایجاد کند. تعارض‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای می‌تواند ثبات رژیم‌های امنیتی را متاثر کند، زیرا تنش میان دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ می‌تواند مانع همکاری در اهداف مشترک امنیتی شود (Kupchan, 2012: 118). این تعارض‌ها اغلب منعکس‌کننده خطوط گسل‌های ژئوپلیتیکی هستند. درگیری‌های منطقه‌ای کنونی در نظام بین‌الملل می‌تواند تأثیر زیادی بر عملکرد رژیم‌های امنیتی بین‌المللی بگذارد و کارایی و ثبات آنها را با چالش‌هایی مواجه کند. تعارض‌هایی مانند جنگ داخلی سوریه، مناقشات دریای چین جنوبی، مسئله تایوان و جنگ روسیه و اوکراین بر کارایی رژیم‌های امنیتی بین‌المللی تأثیراتی گذاشت.

جنگ داخلی سوریه که در سال ۲۰۱۱ میلادی آغاز شد، غرب آسیا را بی‌ثبات کرده و رژیم‌های امنیتی بین‌المللی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. این جنگ ناشی از تضاد منافع روسیه، جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا وقوع یافت و منجر به افزایش تنش‌ها و سیاست‌های رقابتی شد که همکاری در داخل یک رژیم امنیتی را تضعیف می‌کند. علاوه بر این، ظهور گروه‌های تروریستی مانند داعش توانایی دولت‌ها را برای مقابله مؤثر با تهدیدهای امنیتی فراملی به چالش کشیده و محدودیت‌های چارچوب‌های امنیتی موجود را برجسته می‌کند. جنگ در سوریه همچنین به بحران پناهندگان دامن زده است که منابع و ظرفیت‌های کشورهای همسایه و سازمان‌های بین‌المللی را تحت فشار قرار داد. این بحران کارآمدی رژیم‌های امنیتی موجود را در رسیدگی به پیامدهای انسانی و درگیری‌های منطقه‌ای زیر سوال برد (Ali, 2020: 9-11).

مناقشه‌های مرزی در دریای چین جنوبی میان چین و چندین کشور آسیای جنوب شرقی چالش‌های مهمی را برای شکل‌گیری یک رژیم امنیتی بین‌المللی کارآمد ایجاد کرد. این اختلافات منجر به افزایش نظامی شدن و تنش‌ها در منطقه شده و عملکرد نهادهای امنیتی منطقه‌ای مانند آسه‌آن^۱ را پیچیده کرد. علاوه بر این، دخالت ایالات متحده در این اختلاف‌ها، به رقابت راهبردی

1 ASEAN

فزاینده میان چین و ایالات متحده کمک کرده است که پیامدهایی برای رژیم‌های امنیتی بین‌المللی دارد. این رقابت‌ها می‌تواند اعتماد و همکاری میان کشورها را تضعیف کند و رسیدگی به چالش‌های امنیتی مشترک را دشوارتر کند (Raine, & Le Miere: 2013: 161).

مسئله تایوان که شامل رقابت و منازعه چین با تایوان و ایالات متحده می‌شود، چشم‌انداز ثبات رژیم‌های امنیتی بین‌المللی را به چالش کشیده است. ادعاهای چین در مورد تایوان و اقدامات قاطعانه آن در منطقه منجر به افزایش تنش با ایالات متحده شده است. این درگیری خطر رویارویی نظامی میان چین و ایالات متحده را افزایش می‌دهد و پیامدهایی برای رژیم‌های امنیتی بین‌المللی دارد (Blumenthal & Kagan, 2023: 11-12).

جنگ روسیه و اوکراین در سیاست بین‌الملل عواقب گسترده‌ای داشته است و چشم‌انداز ژئوپلیتیکی منطقه شرق اروپا را تغییر داده و همچنین چالش‌های مهمی برای امنیت جهانی، روابط بین‌الملل و ثبات منطقه اروپای شرقی ایجاد کرد. با ادامه درگیری بین روسیه و اوکراین، تأثیر آن بر چشم‌انداز ژئوپلیتیکی و امنیت جهانی همچنان یک نگرانی جهانی است. این درگیری رقابت میان قدرت‌های بزرگ را تشدید کرد، اعتماد را از بین برد و تنش‌ها را در مناطق مختلف افزایش داد. از نقطه نظر تأثیر گذاری این جنگ در گسل ژئوپلیتیکی اروپای شرقی بر رژیم‌های امنیتی می‌توان گفت که این جنگ هم بر شکل‌گیری و همچنین بر رژیم‌های مستقر امنیتی تأثیرات مخربی خواهد گذاشت. این جنگ رژیم‌های امنیتی مستقر در منطقه را به چالش کشید. اثرات کلیدی جنگ بر گسل ژئوپلیتیکی اروپای شرقی و رژیم‌های امنیتی عبارتند از:

تضعیف ترتیبات امنیتی پس از جنگ سرد: جنگ ترتیبات امنیتی ایجاد شده در اروپا پس از جنگ سرد را تضعیف کرده است، به ویژه تفاهم‌نامه بوداپست^۱ که تمامیت ارضی اوکراین را در ازای خلع جنگ افزار هسته‌ای آن تضمین می‌کرد. این موضوع پرسش‌هایی را در مورد اثربخشی چارچوب‌های امنیتی موجود و نیاز به رویکردهای جدید ایجاد کرد (Yost, 2015: 505-536).

افزایش نظامی‌سازی: درگیری منجر به افزایش قابل توجه نیروهای نظامی در شرق اروپا شده است که ناتو نیروهای بیشتری را مستقر کرده و روسیه قابلیت‌های نظامی خود را مدرن می‌کند. این

1 Budapest Memorandum

«تفاهم‌نامه بوداپست» توافقی بود که به اوکراین در قبال تحویل جنگ‌افزارهای هسته‌ای شوروی سابق به روسیه، تضمین امنیتی داد.

نگرانی‌ها را در مورد احتمال تشدید بیشتر و خطر حوادث ناخواسته افزایش داد (Big-Alabo & MacAlex-Achinulo, 2022: 25).

امنیت سایبری و جنگ ترکیبی: این درگیری با استفاده گسترده از حملات سایبری، اطلاعات نادرست و سایر اشکال جنگ ترکیبی مشخص شد. این امر اهمیت امنیت سایبری در منطقه را افزایش داده و کشورها را بر آن داشته تا برای مقابله با این تهدیدها روی قابلیت‌ها و راهبردهای جدید سرمایه‌گذاری کنند (Stojanović, 2022: 238-241).

تأثیر بر همکاری‌های منطقه‌ای: جنگ تلاش‌های همکاری منطقه‌ای را تحت فشار قرار داد، زیرا کشورهای اروپای شرقی اکنون باید با تنش‌های شدید و منافع امنیتی متفاوت مقابله کنند. این امر رسیدگی به چالش‌های مشترک مانند امنیت انرژی، تجارت جهانی، مهاجرت و جرایم سازمان یافته را دشوارتر کرد (Orhan, 2022: 145).

افزایش اتکاء به ترتیبات امنیتی دوجانبه: در واکنش به تغییر محیط امنیتی، کشورهای اروپای شرقی به طور فزاینده‌ای به ترتیبات امنیتی دوجانبه مانند موافقت نامه‌های همکاری دفاعی و تمرین‌های نظامی مشترک روی آورده‌اند. این منجر به چشم‌انداز امنیتی پراکنده‌تر شده است و کشورها به دنبال منافع و اتحادهای خود هستند (Prokop, 2023: 7). به طور خلاصه، جنگ روسیه و اوکراین به طور قابل توجهی بر خطوط گسل‌های ژئوپلیتیکی در اروپای شرقی تأثیر گذاشته و اثربخشی رژیم‌های امنیتی مستقر را به چالش کشید. با ادامه درگیری، پیامدهای آن به شکل‌دهی چشم‌انداز امنیتی منطقه منجر خواهد شد و پیامدهای مهمی برای ثبات جهانی و روابط بین‌المللی خواهد داشت.

مناقشه بر سر سرزمین میان صهیونیست‌ها و فلسطینی‌ها برای دهه‌ها منبع درگیری بوده و همچنان یکی از مسائل مهم امنیتی در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود. این مناقشه که از سال ۱۹۴۸ میلادی تاکنون ادامه دارد از چند جهت بر رژیم‌های امنیتی بین‌المللی تأثیر گذاشته است. در رابطه با تضعیف حقوق بین‌الملل می‌توان گفت که اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط رژیم اسرائیل و درگیری‌های جاری، پرسش‌هایی را در مورد اثربخشی قوانین بین‌المللی و توانایی نهادهای بین‌المللی برای اجرای آن ایجاد کرد. در رابطه با به چالش کشیدن سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی برای رسیدگی مؤثر به مناقشه این مناقشه

تأثیرات مخربی بر میزان اثرگذاری سازمان‌های بین‌المللی گذاشت. این درگیری به بی‌ثباتی در منطقه غرب آسیا کمک کرد و تنش‌ها میان رژیم اسرائیل و محور مقاومت مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران را افزایش داد. در حال حاضر نوعی ترتیبات امنیتی جدید در منطقه غرب آسیا میان برخی از دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس با اسرائیل به وجود آمد که این ترتیبات، شرایط امنیتی منطقه را بسیار پیچیده کرد (Bunton, 2024: 84- 108).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

ارزیابی و تحلیل وضعیت رژیم‌های بین‌المللی کنترل و خلع جنگ‌افزار

با توجه به چهار چالش مورد نظر کالین گری یعنی تفاوت فرهنگی - راهبردی، تضاد منافع، تغییر در تهدیدهای امنیتی و تأثیرگذاری قدرت‌های بزرگ می‌توان گفت که در حال حاضر رژیم‌های امنیتی بین‌الملل دچار ناکارآمدی شده‌اند. تفاوت چشم‌اندازهای امنیتی در وضعیت پیچیدگی ساختاری نظام بین‌الملل منجر به انشقاق در اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری رژیم‌های امنیتی شده است. برای مثال از منظر چشم‌اندازهای امنیتی، چالش تفاوت فرهنگ راهبردی می‌توان گفت که رژیم «ان. پی. تی» با مشکل بی‌اعتمادی عمیق میان دولت‌ها مواجه است. این چشم‌اندازهای امنیتی منجر به فرهنگ‌های راهبردی متفاوتی شده‌اند. ایالات متحده و برخی از دولت‌های اروپایی به عنوان قدرت‌های بزرگ هسته‌ای، امنیت را از طریق حفظ زرادخانه‌های هسته‌ای و بازدارندگی تعریف می‌کنند. این قدرت‌ها معتقدند که جنگ‌افزارهای هسته‌ای برای حفظ صلح و ثبات بین‌المللی ضروری هستند. ایالات متحده همواره از مفهوم چشم‌انداز امنیتی حفظ وضع موجود و حفظ «بازدارندگی هسته‌ای» به عنوان ابزاری برای جلوگیری از جنگ استفاده می‌کند. در رابطه با چشم‌انداز امنیتی روسیه که در جهت تغییر وضع موجود (تغییر مرزهای غربی روسیه) و فرهنگ راهبردی برآمده از این چشم‌انداز امنیتی تجدید نظر طلب، به طور خاص باید گفت این قدرت بزرگ به واسطه مولفه‌های هویتی (هویت برگرفته از کلیسای ارتدکس و تزارسم) خود دیدگاهی فراتر از بازدارندگی به جنگ‌افزارهای هسته‌ای دارد

(Włodkowska, 2022: 15). بسیاری از مقامات و اندیشمندان روس نسبت به گذار از مفاهیم و چارچوب‌های غربی در رابطه با اشاعه جنگ‌افزارهای هسته‌ای تاکید دارند. این اظهارنظرها و تاکيدها در رابطه با اشاعه و امکان استفاده از جنگ‌افزارهای هسته‌ای تاکتیکی مطرح می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت فرهنگ راهبردی روسیه در رابطه با جنگ‌افزارهای هسته‌ای فراتر از منطق بازدارندگی قرار می‌گیرد (Asiyaban, 2023: 22). در ذیل تلاش می‌شود که با توجه به تفاوت در چشم‌اندازهای امنیتی و به تبع آن فرهنگی - راهبردی و تضاد منافع، تغییر در تهدیدهای امنیتی، تاثیرگذاری قدرت‌های بزرگ و همچنین چالش‌های تکنیکی و فناورانه، برخی از مهم‌ترین رژیم‌های کنترل و خلع جنگ‌افزار از نقطه نظر این چالش‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند.

معاهده منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای^۱ (ان. پی. تی) که در سال ۱۹۷۰ میلادی به تصویب رسید، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی برای جلوگیری از گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای و تشویق به همکاری در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای شناخته می‌شود. هدف اصلی این معاهده، جلوگیری از گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای، ترویج همکاری در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و پیشبرد خلع جنگ‌افزار هسته‌ای است. اما چالش‌های متعددی بر سر راه اجرای این معاهده وجود دارد. ایالات متحده، بریتانیا و روسیه نخستین حامیان این معاهده بودند، اما فرانسه و چین، دو کشور هسته‌ای دیگر، برای مدت طولانی این معاهده را امضا نکردند. تنها در سال ۱۹۹۵ میلادی بود که این معاهده به حالت جهانی درآمد و تنها سه کشور هند، اسرائیل و پاکستان خارج از آن باقی ماندند؛ بعدها، کره شمالی از معاهده منع گسترش جنگ‌افزار هسته‌ای خارج شد. چه در جنوب آسیا و چه در غرب آسیا، چندین ابتکار برای وارد کردن این سه کنش‌گر به دایره این معاهده وجود داشته است، اما هیچ یک موفق به جهانی کردن این معاهده نشد. این معاهده بر سه رکن اصلی عدم اشاعه، خلع جنگ‌افزار و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بنا شد (Rakhra, 2023: 102). با این حال، نقاط ضعفی در این ساختار همواره وجود داشت که مانع از تحقق کامل اهداف این معاهده شد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، نابرابری‌های موجود میان کشورهای دارای جنگ‌افزارهای هسته‌ای و کشورهای غیرمسلح هسته‌ای است.

نابرابری‌های ساختاری در معاهده منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای به «ستون‌های نابرابر»^۱ معروف هستند. این ستون‌ها به تعهدات و امتیازات متفاوتی اشاره دارند که کشورهای مختلف تحت این معاهده تجربه می‌کنند. کشورهای دارای جنگ‌افزار هسته‌ای، که قبل از تصویب معاهده به عنوان کشورهای هسته‌ای شناخته شده بودند، به طور کامل به تعهدات خلع جنگ‌افزار پایبند نیستند. برای مثال، این کشورها هنوز زرادخانه‌های هسته‌ای خود را حفظ کرده‌اند و در برخی موارد به توسعه آنها ادامه می‌دهند. در مقابل، کشورهای غیرمسلح هسته‌ای انتظار دارند که این دولت‌ها به عنوان بخشی از تعهدات خلع جنگ‌افزار خود، تدابیری برای کاهش جنگ‌افزار هسته‌ای اتخاذ کنند. این عدم توازن در انتظارات و تعهدات، به احساس نارضایتی و بی‌اعتمادی میان کشورها منجر شد. به نظر می‌رسد ایجاد توازن و رفع این نابرابری‌ها برای حفظ اعتبار معاهده منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای به عنوان یک معاهده مؤثر و مرتبط ضروری است. اگر کشورهای غیرمسلح هسته‌ای احساس کنند که این معاهده به عنوان یک چارچوب منصفانه عمل نمی‌کند، ممکن است حمایت خود را از این معاهده کاهش دهند و حتی به سمت توسعه جنگ‌افزار هسته‌ای گرایش پیدا کنند (Rakhra, 2023: 115). جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای این رژیم محسوب می‌شود. برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با وجود اعلام مقام‌های رسمی به صلح آمیز بودن، همواره مورد اتهام از سوی ایالات متحده و سایر دولت‌های غربی قرار گرفته. نابرابری موجود در این رژیم همواره از سوی مقام‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی معاهده منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای محسوب می‌شود. ایران استدلال می‌کند که این نابرابری‌ها باعث تضعیف اعتماد کشورهای غیرهسته‌ای به معاهده شده و امکان سوءاستفاده قدرت‌های بزرگ از این معاهده را فراهم کرده است. به عبارتی دیگر، ایران از زاویه چشم‌انداز امنیتی خود معتقد است که «ان. پی. تی» به جای آن‌که به عنوان ابزاری برای خلع سلاح جهانی و ترویج استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای عمل کند، به ابزاری برای حفظ سلطه قدرت‌های بزرگ تبدیل شد. به نظر نگارنده وجود تفاوت در چشم‌اندازهای امنیتی میان ایران و دولت‌های غربی یکی از مهم‌ترین دلایل پیچیده شده پرونده

هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود؛ زیرا این تفاوت‌ها امکان شکل‌گیری فرایند اعتمادسازی را به طرف‌ها برای حل مسئله نمی‌دهد.

معاهده جامع منع آزمایش هسته‌ای^۱ (سی. تی. بی. تی) که در سال ۱۹۹۶ میلادی به تصویب رسید، آزمایش‌های هسته‌ای را به‌طور کامل منع می‌کند. این معاهده به عنوان یک گام مهم در کاهش تنش‌های جهانی و تقویت امنیت بین‌المللی شناخته می‌شود. اما همچنان چالش‌های قابل توجهی در مسیر اجرایی شدن آن وجود دارد. قضاوت‌های سیاسی که ناشی از اختلاف منافع است و همچنین نحوه تأیید نهادهای نظارتی برای صدور مجوز به برخی کشورها، به خصوص در مورد بازرسی‌ها و کنترل‌ها، از دیگر چالش‌های مهم محسوب می‌شود (Malygina, & Others).

(2: 2024 این معاهده به دلیل عدم تصویب توسط کنش‌گران کلیدی مانند ایالات متحده، چین، ایران، اسرائیل و مصر، و همچنین امضا نشدن توسط کره شمالی، پاکستان و هند، با چالش‌های جدی مواجه است. وابستگی این معاهده به مشارکت کامل تمام ۴۴ کشور دارای فناوری هسته‌ای، اجرایی شدن آن را دشوار کرده است. چالش‌های سیاسی و امنیتی، مانند رقابت‌های ژئوپلیتیکی، نیز مانع همکاری کامل کشورها شده است. ضعف در مکانیزم‌های نظارتی و اجرایی، از جمله سیستم نظارت بین‌المللی و نبود مجازات‌های قوی برای متخلفان، از دیگر مشکلات این معاهده است. برای افزایش کارایی، نیاز به مشارکت جهانی، تقویت نظارت و ایجاد مکانیزم‌های اجرایی قوی‌تر احساس می‌شود (Ilić, Radovanović & Ivković: 2024:901).

معاهده منع جنگ افزارهای هسته‌ای میان‌برد^۲ (آی. ان. اف) که از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۹ میلادی میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی (روسیه کنونی) برقرار بود، به طور خاص به ممنوعیت جنگ افزارهای هسته‌ای میان‌برد می‌پرداخت. این معاهده یکی از دستاوردهای چشمگیر در زمینه خلع جنگ افزار هسته‌ای به شمار می‌رفت. اما خروج ایالات متحده از این معاهده در سال ۲۰۱۹ به دلیل ادعای نقض روسیه، به افزایش تنش‌ها و رقابت جنگ‌افزاری در اروپا منجر شد. این وضعیت نه تنها بر امنیت اروپا تأثیر منفی گذاشت، بلکه بر اعتماد کشورهای دیگر به فرایندهای خلع جنگ

1 CTBT

2 INF

افزار نیز تأثیر گذاشت. فقدان توافقات جدید و پایبندی به معاهدات موجود می‌تواند روابط بین‌المللی را به خطر اندازد (Chekov, 2024: 24).

کنفرانس خلع جنگ افزار^۱ (سی. دی) از سال ۱۹۷۹ به عنوان رژیم بین‌المللی برای مذاکرات خلع جنگ افزار تأسیس شد. این نهاد به‌عنوان پلتفرمی برای دستیابی به توافقات خلع جنگ افزار در سطح جهانی طراحی شده بود. اما عدم توانایی در دستیابی به توافق‌های ملموس و همچنین مناقشه‌ها و تضاد منافع میان کشورهای عضو، فرآیند دیپلماسی را به چالش کشیده (Meyer, 2021: 287).

معاهده منع گسترش جنگ افزارهای شیمیایی^۲ (سی. دبلیو. سی)، که از سال ۱۹۹۷ به اجرا درآمد، به ممنوعیت تولید و استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی پرداخته است. اگرچه این معاهده موفقیت‌هایی داشته، ولی استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی در منازعات مختلف، چالش‌های جدی را برای جامعه بین‌المللی ایجاد کرده است. چالش‌های نظارتی و تطبیق با فناوری‌های جدید نیز از دیگر مشکلات مربوط به این معاهده است. فناوری‌های مدرن می‌تواند به تولید و استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی و دور زدن قوانین فعلی منجر شود (Abe, 2023: 51-52). استفاده از عوامل شیمیایی نوویچوک^۳ در حملات اخیر مانند مسمومیت اسکریپال^۴ و ناوالنی^۵، نگرانی جدی را درباره ادامه برنامه‌های جنگ افزار شیمیایی در برخی کشورها ایجاد کرده و نیاز به به روزرسانی برنامه‌های نظارتی و اعلامیه‌ها را ضروری می‌کند. علاوه بر این، استفاده از مواد شیمیایی تأثیرگذار بر سیستم عصبی مرکزی^۶ برای مقاصد اجرای قانون و کنترل جمعیت، با اصول معاهده منع گسترش جنگ افزارهای شیمیایی در تضادی آشکار قرار دارد. عوامل کنترل شورش^۷ نیز در مواردی منجر به نقض حقوق بشر شده و در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، خطرات بهداشتی بیشتری را به همراه داشت. توسعه سیستم‌های تحویل گسترده^۸، مانند پهپادها، می‌تواند به

1 CD

2 CWC

3 Novichoks

4 Skripal

5 Navalny

6 CNS

7 RCAs

8 RCA

سوءاستفاده از این مواد در مقیاس بزرگ منجر شود؛ بنابراین، نیاز به نظارت و کنترل بیشتر در این حوزه‌ها احساس می‌شود (Edwards & Others, 2022:9-10).

معاهده منع گسترش جنگ افزارهای بیولوژیکی^۱ (بی. دبلیو. سی) که از سال ۱۹۷۵ به کنترل و منع تولید و استفاده از جنگ‌افزارهای بیولوژیکی پرداخته است، به دلیل عدم وجود سیستم نظارتی مؤثر و معیاری برای راستی آزمایی، با چالش‌های اساسی مانند چارچوب‌های قانونی در حقوق بین‌الملل و چالش‌های اجرایی مواجه است. همچنین افزایش تهدیدهای نوین ناشی از تولید داروهای بیولوژیکی و پتانسیل سوءاستفاده از این فناوری‌ها، نگرانی‌های جدیدی به وجود آورده (Vinaya, 2022). معاهده منع جنگ‌افزارهای بیولوژیک با چالش‌هایی از جمله کمبود یک پروتکل تأییدی قوی و اختلاف‌های میان کشورهای عضو مواجه است. پیشرفت‌های سریع در علوم زیستی تهدیدهایی جدید ایجاد کرده‌اند که نیاز به به روزرسانی مفاد معاهده را ضروری می‌کند. اجرای «ماده ایکس»^۲ معاهده به دلیل عدم ارائه اطلاعات کافی از سوی برخی کشورها با مشکل روبه‌رو است. همچنین، ضعف در اجرای ملی و عدم وجود قوانین مناسب در برخی کشورها مانع از جلوگیری از توسعه جنگ‌افزارهای بیولوژیکی می‌شود. در نهایت، آمادگی کشورها برای مقابله با تهدیدهای بیولوژیکی به ویژه در بحران‌های اخیر، از جمله کووید-۱۹، ضعیف باقی ماند (Edwards & Others, 2022:7-8).

معاهده تجارت جنگ‌افزار^۳ که از سال ۲۰۱۴ به کنترل و نظارت بر تجارت جنگ‌افزارهای متعارف پرداخته است، یکی دیگر از ابزارهای مؤثر در این حوزه به شمار می‌آید. هدف این معاهده، جلوگیری از تجارت غیرقانونی جنگ‌افزار و تضمین اینکه جنگ‌افزارها قادر به آسیب زدن به امنیت انسانی و ثبات منطقه‌ای نباشند، است. اما چالش‌های قابل توجهی در مسیر اجرای این معاهده وجود دارد. عدم رعایت و پایبندی برخی از کشورهای تولیدکننده جنگ‌افزار به الزام‌های این معاهده، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که می‌تواند سبب تضعیف اعتبار و کارایی آن شود. بسیاری از کشورها به علت منافع اقتصادی و سیاسی خود حاضر به محدود کردن صادرات جنگ‌افزار نیستند و این خود عاملی برای وقوع درگیری‌های مسلحانه در سطح جهانی می‌شود.

1 BWC

2 Article X

3 ATT

علاوه بر این، دشواری در نظارت بر جریان واقعی این جنگ افزارها نیز از دیگر چالش‌هاست. سیستم‌های نظارتی و بازرسی باید به گونه‌ای طراحی شوند که امکان ردیابی دقیق جنگ افزارها از مبدا تا مقصد فراهم شود، اما به دلیل تنوع روش‌های قاچاق و مقاصد سیاسی، این کار به راحتی امکان‌پذیر نیست (Lustgarten, 2015: 570- 593).

همکاری‌های امنیتی هسته‌ای، به عنوان مجموعه‌ای از اجلاس‌ها با هدف ارتقاء امنیت هسته‌ای و جلوگیری از دسترسی غیرمجاز به مواد هسته‌ای، از دیگر تلاش‌های بین‌المللی در زمینه کنترل جنگ‌افزار است. با وجود اصول ارزشمندی که این اجلاس‌ها به دنبال تحقق آن هستند (Laraia & Pescatore, 2013:322)، همچنان چالش‌هایی وجود دارد که مانع از اجرای مؤثر آن‌ها می‌شود. سیاست‌های متناقض و عدم همکاری میان کشورهای شرکت‌کننده، یکی از چالش‌های اساسی است. در شرایطی که کشورهای مختلف با راهبردها و منافع متنوعی درگیر هستند، نیروی لازم برای همکاری مؤثر برای کاهش خطرات هسته‌ای به حداقل می‌رسد. این عدم همبستگی همچنین می‌تواند به بی‌اعتمادی میان کشورها منجر شود و فضایی برای فعالیت‌های غیرقانونی فراهم آورد. تهدیدهای سایبری و بی‌ثباتی امنیتی نیز به عنوان عوامل تهدیدکننده در زمینه همکاری‌های امنیتی هسته‌ای مطرح است. در عصر دیجیتال کنونی، دسترسی به اطلاعات و فناوری‌های مرتبط با مواد هسته‌ای می‌تواند به آسانی توسط گروه‌های غیر دولتی یا کشورهای متخاصم بهره‌برداری شود و این امر به افزایش خطرات مربوط به امنیت هسته‌ای دامن می‌زند (Nayan, 2012: 89-91).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به چشم‌اندازهای امنیتی و چالش‌های ناشی از آن باید گفت که در حال حاضر رژیم‌های امنیتی بین‌المللی با ناکارآمدی در حل مسائل امنیتی مواجه هستند. با توجه به پنج شاخص مشارکت کنش‌گران، پویایی قدرت، علایق و انگیزه‌ها، اثربخشی و کارایی و در نهایت سازگاری و انعطاف‌پذیری می‌توان گفت که روی کار آمدن قدرت‌های نوظهوری مانند چین و روسیه و همچنین افزایش نفوذ کنش‌گران غیردولتی، الگوی سنتی حکمرانی جهانی با چالش مواجه است. در این فضای جدید، قدرت‌های نوظهور تلاش می‌کنند تا رژیم‌های متناسب با چشم-

انداز امنیتی و فرهنگ راهبردی خود را در یک ساختار چند قطبی شکل دهند و از این طریق الزام-ها و نگرانی‌های خود را که ممکن است با دیدگاه‌های غربی تطابق نداشته باشد، برجسته کنند. این تغییر پارادایم می‌تواند به تضعیف کارایی رژیم‌های امنیتی موجود منجر شود و خوش‌بینانه بتواند فرصت‌های جدیدی برای همکاری‌های جدید یا بازتعریف روابط میان کشورها ایجاد کند. علاوه بر این، گسل‌های ژئوپلیتیک ناشی از تضاد منافع و رقابت قدرت‌ها، به شدت بر کارایی رژیم‌های امنیتی تأثیر می‌گذارد. در این راستا، هرگونه اختلاف نظر میان قدرت‌های بزرگ می‌تواند به بروز بحران‌های جدید و تضعیف تلاش‌های جمعی برای مقابله با تهدیدهای نوین مانع‌تراشی کند. این موضوع به ویژه در مواجهه با تهدیدهایی مانند تغییرات آب و هوایی و یا تروریسم بین‌المللی به وضوح قابل مشاهده است؛ جایی که همکاری‌های جهانی برای ایجاد راهکارهای جامع ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به چشم‌اندازهای امنیتی متفاوت، به نظر می‌رسد که این رژیم‌ها ناچارند به طور مداوم خود را تطبیق دهند و تحول یابند تا بتوانند به چالش‌های امنیتی نوین پاسخ دهند، اما تفاوت در چشم‌اندازها می‌تواند مانع قابل توجهی برای تطبیق و همچنین ایجاد توافق در اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری باشد. بنابراین نیاز به نوعی دیپلماسی نوین است که بتواند منافع متضاد را در یک چارچوب سالم مذاکره گرد هم آورد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه غرب آسیا در برخی از رژیم‌های امنیتی بین‌المللی عضو است. در حال حاضر ایران در رژیم‌های امنیتی مهمی مانند معاهده منع گسترش جنگ افزارهای بیولوژیکی، معاهده منع گسترش جنگ افزارهای شیمیایی و معاهده منع گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای عضویت کامل دارد. در رابطه با معاهده منع آزمایش هسته‌ای باید گفت که جمهوری اسلامی ایران این معاهده را در سال ۱۹۹۶ میلادی امضا کرده است، اما هنوز آن را تصویب نکرده است. بنابراین وضعیت ایران در این رژیم شامل «پیوست ۲» می‌شود و از اصول این رژیم حمایت می‌کند، اما تصویب آن در مجلس ایران به نتیجه نرسیده است. نکته قابل توجه در رابطه با رژیم‌های امنیتی این است که با گذر زمان بسیاری از محدودیت‌ها را علیه کشورهای عضو به وجود می‌آورند و به قدرت‌های بزرگ این اجازه را می‌دهند که نسبت به تمامی کنش‌های امنیتی و سیاست خارجی دولت‌ها حساسیت داشته باشند و بسیاری از این کنش‌ها

را امنیتی‌سازی^۱ کنند. این اصطلاح در مطالعات امنیتی به فرآیندی اشاره دارد که در آن یک موضوع یا مسئله به عنوان یک تهدید امنیتی تلقی می‌شود و نیاز به اقدامات فوری و ویژه برای مقابله با آن احساس می‌شود. در حال حاضر به دلیل عضویت ایران در معاهده منع گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای، برنامه هسته‌ای ایران توسط دولت‌های غربی امنیتی‌سازی شده است. بنابراین باید به این نکته اشاره شود که عضویت یک دولت در رژیم‌های امنیتی می‌تواند منافع ملی را به شدت تحت تاثیر قرار دهد. سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان می‌بایست با بهره‌گیری از تفکر راهبردی نسبت به جایگاه ژئوپولیتیکی، هویت و چشم‌انداز امنیتی کشور خود، عضویت در رژیم‌های امنیتی را به دقت مورد توجه قرار دهند.

References

- Abe, T. (2023). Syrian chemical weapons and international law. Springer.
- Ali, H. (2020). The rise and fall of Islamic State: Current challenges and future prospects. *Asian Affairs*, 51(1), 71-94.
- Asgarkhani, A. (2004). International Regimes. Tehran: Abrar Contemporary International Cultural Institute for Studies and Research Publications. (In Persian)
- Asgarkhani, A., & Asiyaban, O. (2020). Structural Complexity and New Patterns of Hegemonic War. *Political and International Research Quarterly*, 45, 62-81. (In Persian)
- Asiyaban, O. (2022). Governance Patterns; Geopolitical Fault Lines and U.S. Competition with China and Russia. *American Strategic Studies Quarterly*, 2 (3), 121-151. (In Persian)
- Asiyaban, O. (2023). Tactical Nuclear Weapons: From Nuclear Deterrence to Nuclear Compellence. *World Politics Quarterly*, 12 (4), 7-38. (In Persian)
- Blumenthal, D., & Kagan, F. W. (2023). China's three roads to controlling Taiwan. American Enterprise Institute.
- Bunton, M. (2024). The contemporary Middle East: Foreign intervention and authoritarian governance since 1979. John Wiley & Sons.
- Buzan, B., & Hansen, L. (2009). The evolution of international security studies. Cambridge University Press.
- Chekov, A. D. (2024). Five years without the INF Treaty: Lessons and prospects. *Russia in Global Affairs*, 22(4), 24-47.
- Claude, I. L. (1992). Collective security after the Cold War. *Collective Security in Europe and Asia*, 7-28.
- Collins, A. (Ed.). (2022). Contemporary security studies. Oxford University Press.
- Dalby, S. (2009). Security and environmental change. Polity.
- Edwards, B., Novossiolova, T., Crowley, M., Whitby, S., Dando, M., & Shang, L. (2022). Meeting the challenges of chemical and biological weapons: Strengthening the chemical and biological disarmament and non-proliferation regimes. *Frontiers in Political Science*, 4, 805426.

1 Securitization

- Gheciu, A., & Wohlforth, W. C. (Eds.). (2018). The Oxford handbook of international security. Oxford University Press.
- Gray, C. S. (1984). Comparative strategic culture. The US Army War College Quarterly: Parameters, 14(1), 13.
- Griffiths, M. (2013). Encyclopedia of international relations and global politics. Routledge.
- Hanhimäki, J. M. (2015). The United Nations: A very short introduction. Oxford University Press.
- Harris, P. G. (2002). Environmental security: Will Bush follow Clinton's lead? Pacifica Review: Peace, Security & Global Change, 14(2), 149-157.
- Ikenberry, G. J. (2011). Liberal leviathan: The origins, crisis, and transformation of the American world order. Princeton University Press.
- Ilić, S. D., Radovanović, R. V., & Ivković, A. S. (2024). International security regimes in preventing the spread of nuclear armaments and their global significance. Vojnotehnički glasnik/Military Technical Courier, 72(2), 896-923.
- Izmailov, Y., & Yegorova, I. (2024). Global challenges to modern international security system. Economics and Technical Engineering, 2(1), 22-30.
- Kahler, M. (2013). Rising powers and global governance: Negotiating change in a resilient status quo. International Affairs, 89(3), 711-729.
- Keohane, R. O. (2020). International institutions and state power: Essays in international relations theory. Routledge.
- Krasner, S. D. (Ed.). (1983). International regimes. Cornell University Press.
- Kupchan, C. A. (2012). No one's world: The West, the rising rest, and the coming global turn. Oxford University Press.
- Laraia, M., & Pescatore, C. (2013). International nuclear cooperation. In Managing nuclear projects (pp. 322-346). Woodhead Publishing.
- Leffler, M. P., & Westad, O. A. (Eds.). (2010). The Cambridge history of the Cold War (Vol. 1). Cambridge University Press.
- Levi, M. A., & O'Hanlon, M. E. (2004). The future of arms control. Rowman & Littlefield.
- Lustgarten, L. (2015). The arms trade treaty: Achievements, failings, future. International & Comparative Law Quarterly, 64(3), 569-600.
- Malygina, A., Notte, H., & Rusten, L. (2024). The risk of renewed nuclear testing. Risk.
- Martin, L. (2008). Global governance. Routledge.
- Meyer, P. (2021). Does the Conference of Disarmament have a future? Journal for Peace and Nuclear Disarmament, 4(2), 287-294.
- Nayan, R. (2012). The emerging nuclear security regime: Challenges ahead. Strategic Analysis, 36(1), 87-99.
- Northedge, F. S. (1986). The League of Nations: Its life and times 1920-1946.
- Nye Jr, J. S. (2022). The end of cyber-anarchy? How to build a new digital order. Foreign Affairs, 101, 32.
- Nye, J. S. (2010). Cyber power (pp. 1-24). Harvard Kennedy School, Belfer Center for Science and International Affairs.
- Nye, J. S., & Keohane, R. O. (1990). Power and interdependence. HarperCollins.
- Orhan, E. (2022). The effects of the Russia-Ukraine war on global trade. Journal of International Trade, Logistics and Law, 8(1), 141-146.
- Prokop, M. (2023). Russia-Ukraine: Difficult neighbourly relations. In The Russia-Ukraine War of 2022 (pp. 6-21). Routledge.
- Raine, S., & Le Miere, C. (2013). Chapter four: The US in the South China Sea. Adelphi Series, 53(436-437), 151-178.

- Rakhra, K. (2023). The state of the NPT: Challenges ahead. In *The global nuclear landscape* (pp. 101-115). Routledge.
- Schelling, T. C., & Strategy, M. H. H. (1961). *Arms control*. The Twentieth Century Fund.
- Stojanović, G. (2022). Hybrid wars in the 21st century: Study on the Russia-Ukraine conflict. In *Fighting for empowerment in an age of violence* (pp. 238-248). IGI Global.
- Vinaya, S. (2022). Implementing the prohibition on chemical and biological weapons: A study of disarmament under international law. Part 1 *Indian Journal of Integrated Research in Law*, 2, 1.
- Weber, C. (2013). *International relations theory: A critical introduction*. Routledge.
- Włodkowska, A. (2022). The strategic culture of Russia: Why is the dialogue so challenging? In *Disinformation, narratives and memory politics in Russia and Belarus* (pp. 135-150). Routledge.
- Yost, D. S. (2015). The Budapest Memorandum and Russia's intervention in Ukraine. *International Affairs*, 91(3), 505-538.
- Young, O. R. (1982). Regime dynamics: The rise and fall of international regimes. *International Organization*, 36(2), 277-297.

